

جامعه پيشرفته از ديده‌گاه قرآن و سنت (ويژگي‌ها و شاخص‌ها)

محمد جمال خليليان اشكندري / دانشيار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى (ع) m_khalil411@yahoo.com
 سيدحميد جوشقانى نائينى / دكترى فلسفه اقتصاد اسلامى مؤسسه آموزشى و پژوهشى امام خمينى (ع) و عضو گروه اقتصاد مؤسسه علوم انسانى جامعةالمصطفى العالميه mirsadry@gmail.com
 دريافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۲ - پذيرش: ۱۳۹۸/۱۲/۰۵

چكیده

پيشرفت انسان و جامعه، حاصل تعامل مطلوب انسان با ابعاد گوناگون جهان پيرامون است كه آموزه‌هاى هر مكتبى از طريق نهادهاى اجتماعى اين تعامل را جهت مى‌دهند. از نظر اسلام، جامعه پيشرفته جامعه‌اى است كه افراد آن با استفاده از دانش و فناورى، در پرتو رشد اقتصادى، به رفاه نسبى دست يافته و با به كارگيرى آن در مسير عبوديت و اطاعت از خداوند، به كرامت و آزادگى، معرفت و بصيرت و به تعبير قرآن به حيات طيبه رسيده‌اند. از اين رو، ويژگي‌ها و شاخص‌هاى جامعه پيشرفته اسلامى متمايز از جامعه توسعه يافته غربى است. براى دستيابى به پيشرفت مورد نظر اسلام، لازم است علاوه بر تأمين نيازهاى مادى به نيازهاى معنوى افراد نيز توجه شود و جامعه اسلامى بايد مستقل، عزتمند و مقتدر باشد. اين مقاله، با استناد به آموزه‌هاى اسلامى متخذ از آيات و روايات؛ حاكميت فضاى عبوديت و توحيدمدارى، روابط فردى و جمعى بر محور عدالت اجتماعى، اتحاد و همبستگى، آزادى همراه با آزادگى، شكل گيرى فضاى علم افزايى، تفكر و معرفت، امنيت، نيروى انسانى متعدد و متخصص، فرهنگ اصيل و پويا، رفاه نسبى، سلامتى و بهداشت، ولايت پذيرى، اصالت و استحكام نهاد خانواده را از ويژگي‌هاى مهم جامعه پيشرفته اسلامى دانسته و براى ارزيباى ميزان پيشرفت آن، شاخص‌هاى را مطرح كرده است.

كليدواژه‌ها: پيشرفت، پيشرفت انسان، جامعه پيشرفته، شاخص.

انسان‌ها در طول تاریخ، در زندگی فردی و اجتماعی خود، پیوسته به فکر تکامل و پیشرفت بوده‌اند و در عصر کنونی، توسعه و پیشرفت از اساسی‌ترین دغدغه‌های جوامع بشری است؛ چنان‌که دستیابی به توسعه با ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، هدف آرمانی بسیاری از کشورها شده است.

شاخص توسعه انسانی متعارف با نگرشی خاص و محدود به انسان، هدف نهایی خود را متوجه رفاه مادی کرده و جنبه روحی و معنوی انسان به‌عنوان اساسی‌ترین بُعد وجودی وی را مورد غفلت قرار داده است. به عبارت دیگر، خارج نشدن از سیطره مادیات و زندگی مادی موجب شده که پیشرفت جامعه انسانی را در پیشرفت و ترقی ابزار و وسایل در خدمت زندگی مادی محصور کنند. درحالی‌که پیشرفت، صرفاً انباشت سرمایه و عوض شدن ابزار زندگی نیست، بلکه تحول جامعه از نظر علمی و اخلاقی است که نتیجه آن، دور شدن از شیوه‌های نادرست زندگی و جهت‌دار شدن فعالیت انسان در راستای هدف نهایی شایسته مقام اوست.

در فرایند پیشرفت جامعه ایران، باید با توجه به آموزه‌های اسلامی و دانش و فرهنگ ایرانی، الگو و برنامه مناسبی را تدوین و اجرا کرد؛ زیرا شرایط ایران از جهات گوناگونی با سایر کشورها متفاوت است و اقتباس الگو از جوامع غربی، جامعه ایرانی را به اهداف مورد نظر نظام اسلامی نمی‌رساند. البته وجود نقاط مشترک با سایر کشورها در برخی زمینه‌ها را نباید کاملاً منتفی دانست و می‌توان از تجارب مفید آنها نیز استفاده کرد.

آموزه‌های اسلام هماهنگ با فطرت حقیقت‌جو و کمال‌خواه انسان است. از این رو، ممکن نیست پذیرای جمود و رکود باشد، بلکه دعوت به پیشرفت و تکامل می‌کند. توجه اسلام به بُعد روحی و معنوی، نگاه به جنبه مادی انسان را نیز در دو عرصه فردی و اجتماعی و نقش مکمل آن دو در مسیر پیشرفت، تحت تأثیر قرار داده است. اسلام در خلال تعیین وظایف فرد در رابطه با جامعه و سایر افراد به اصول و ضوابطی اشاره کرده که از آنها می‌توان ویژگی‌ها و شاخص‌های جامعه پیشرفته مورد نظر اسلام را به‌دست آورد.

پیشینه تحقیق

با وجود تحقیقاتی که طی چند دهه اخیر، درباره توسعه و پیشرفت از دیدگاه اسلام صورت گرفته است، اما راجع به شاخص‌های ارزیابی آن چندان بحث نشده است. این خلاء، در زمینه تدوین شاخص‌های توسعه انسانی با نگرش اسلامی نیز وجود دارد. به چند مورد از مطالعات انجام‌گرفته در این زمینه که می‌توان از آنها به‌عنوان پیشینه عام بحث استفاده نمود، اشاره می‌شود.

۱. خلیلی (۱۳۸۰)، به بیان مبانی توسعه انسانی اسلامی پرداخته و ایمان و عمل صالح را معیارهای آن دانسته و می‌نویسد: «ایمان و عمل صالح را با توجه به میزان عمل به فروع دین می‌توان اندازه‌گیری کرد».

۲. خلیلیان (۱۳۹۰)، هرچند وارد بحث معیارها نشده است، اما ضمن طرح ایده شاخص‌های توسعه انسان‌محور، میزان توسعه‌یافتگی نیروی انسانی، تناسب سطح مصرف و رفاه جامعه با معیشت عموم مردم، پایبندی افراد جامعه

به حفظ منافع ملی، تعهد و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه و موفقیت در رفع فقر و تأمین نیازهای اساسی را از شاخص‌های اصلی سنجش توسعه اقتصادی یک کشور می‌داند. وی در کتاب **معیارها و شاخص‌های توسعه انسانی از دیدگاه اسلام (۱۳۹۳)**، معیارها و شاخص‌های مذکور را برای یک فرد مسلمان مورد بحث قرار داده، اما همچنان جای این بحث با نگاه به جامعه اسلامی خالی است.

۳. **همايون دُر و سعیده ف اُتیتی (۲۰۰۲)** با پیشنهاد شاخص توسعه انسانی اخلاقی، مقوله‌های ارزشی و دینی را در قالب‌های توانمندی جنسیتی، تخریب زیست‌محیطی، آزادی‌های مدنی و سیاسی، ارزش‌های خانوادگی، و نفوذ مذهبی، به شاخص توسعه انسانی اضافه می‌کنند. ایشان به‌رغم پیشنهاد دو شاخص نرخ طلاق و میانگین سن ازدواج اول، میزان باروری را شاخصی برای سنجش ارزش‌های خانوادگی دانسته و میزان نفوذ مذهبی در جامعه را نیز با شاخص دین می‌سنجند.

۴. **توکلی (۱۳۹۰)**، در مقاله «روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی» معتقد است: **نماگرها و شاخص توسعه، نقشی اساسی در ارزیابی و بهبود میزان پیشرفت کشورها ایفا می‌کنند. تدوین شاخص یکپارچه توسعه و پیشرفت، مستلزم پیمودن چهار مرحله مفهوم‌سازی، استخراج معیارها، طراحی نماگرها و یکپارچه‌سازی آنهاست. ایشان، توسعه جوامع انسانی را به مفهوم تعالی افراد آن، برای دستیابی به زندگی سالم در سرزمین پاک و آباد می‌داند و توانمندی اخلاقی، فکری، جسمی - روانی، و درآمدی را به‌مثابه معیارهای چهارگانه پیشرفت انسانی بیان می‌کند.**

این پژوهش، افزون بر بیان ویژگی‌های پیشرفت جامعه از دیدگاه اسلام، به ارائه شاخص‌هایی از آن بر اساس قرآن و سخنان پیشوایان معصوم^{علیهم‌السلام} پرداخته است و در نهایت، رابطه ویژگی‌ها و شاخص‌ها نیز بیان شده است.

مفاهیم

پیشرفت

گرچه واژه «پیشرفت»، گاهی مترادف و معادل با واژه توسعه (Development) به کار می‌رود، ولی از آنجاکه واژه «توسعه»، در کاربردهای بین‌المللی با بار معنایی و ارزشی و الزامات خاص خود همراه است و در فهم عموم ملازم با غربی شدن تلقی می‌شود، از واژه پیشرفت استفاده می‌کنیم. این واژه، علاوه بر اینکه فاقد نکات و بار معنایی منفی توسعه است، ابعاد مورد نظر توسعه اسلامی را نیز می‌توان در آن لحاظ کرد (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹، www.leader.ir). بنابراین، بین پیشرفت از دیدگاه اسلام با توسعه به‌معنای متعارف، تفاوت مفهومی وجود دارد. توسعه به‌معنای متعارف فقط بر بُعد مادی زندگی انسان و رفاه او در این دنیا تمرکز دارد. به عبارت دیگر، هدف از حیات انسان را تأمین نیازها و لذات مادی او در عالی‌ترین سطح و فارغ از هرگونه ارزش دانسته و تلاش می‌کند که بدون توجه به بُعد روحی او، آن را به‌عنوان هدف نهایی در جامعه نهادینه کند. درحالی‌که پیشرفت از نگاه اسلام، نه‌تنها بر دو بُعد روحی و مادی انسان تکیه دارد، بلکه زندگی در این جهان را مقدمه‌ای برای رسیدن به حیات جاوید و ابدی در سرای دیگر می‌داند.

براین اساس، در رابطه با پیشرفت جامعه اسلامی، نکات زیر قابل توجه است:

۱. پیشرفت مورد نظر اسلام با توسعه در نظام واژگانی غرب، تفاوت دارد.
۲. الگوی پیشرفت برای کشورها و جوامع اسلامی، نسخه واحدی تجویز نمی‌کند. شرایط گوناگون تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در ارائه مدل‌های متفاوت پیشرفت، مؤثر است.
۳. مبانی معرفتی، فلسفی و اخلاقی در تعیین الگوی پیشرفت تأثیر دارد. مبانی مذکور در اسلام مقتضی پیشرفت مشروع، متوازن و عادلانه می‌باشد.

۴. تفاوت اصطلاح «پیشرفت» با «توسعه»، نباید موجب نادیده گرفتن نکات مثبت الگوی توسعه غربی، از جمله روح خطرپذیری، ابتکار، اقدام و انضباط شود.

اجمالاً آنچه در اینجا می‌توان بیان کرد، پیشرفت مورد نظر اسلام علاوه بر دارا بودن معیارهایی از قبیل فراصنعتی شدن، خودکفایی در نیازهای اساسی، افزایش بهره‌وری، ارتقای سطح سواد، ارتقای خدمات‌رسانی به شهروندان، افزایش امید به زندگی و رشد ارتباطات، توجه به مسائل و خطوط اصلی زندگی مانند امنیت، عدالت، آزادی‌های مشروع، استقلال و عزت ملی را ضروری می‌داند.

پیشرفت، فرایندی است که متضمن رشد مداوم در ابزار، روابط مادی، معنوی و بنیان‌های اقتصادی اجتماعی ... است و انسان در این جریان، می‌تواند به تعالی و کمال برسد (موسایی، ۱۳۹۰، ص ۴۴). به عبارت جامع‌تر، پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، فرایند هدایت شده‌ای است که بر اساس بینش توحیدی، تحولات اساسی در رفتار انسان‌ها، از جهت فردی و اجتماعی، در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی، ایجاد می‌شود و افراد با استفاده از دانش و فناوری، در پرتو رشد اقتصادی، به رفاه نسبی دست می‌یابند و با به‌کارگیری آن در مسیر عبودیت و اطاعت از خداوند، به کرامت و آزادی، معرفت و بصیرت می‌رسند و پویا و فعال به سمت جامعه‌ای با حیات طیبه حرکت می‌کنند (خلیلیان اشکذری و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۹۲).

جامعه پیشرفته

پیشرفت مطلوب جامعه اسلامی، دارای ابعاد گوناگونی است که اولویت دادن به یک بُعد، باید هماهنگ با در نظر گرفتن سایر ابعاد باشد. تداوم و پایداری پیشرفت، بستگی تام به حرکت در راستای ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی دارد و با فعالیت و تلاش بر اساس بینش توحیدی، اخلاق الهی و فقه مرفقی اسلام، جامعه پیشرفته اسلامی پدید خواهد آمد. از این رو، جامعه‌ای پیشرفته است که شهروندانش به آموزه‌ها، تعالیم و دستورات اخلاقی و اجتماعی اسلام پایبند باشند. در چنین جامعه‌ای، ثروت، قدرت، منزلت و دانشی ارزشمند خواهد بود که در راستای قرب الهی و ایجاد جامعه عدالت‌محور یا به تعبیر قرآن کریم برای دستیابی به حیات طیبه باشد (نحل: ۹۷).

بدین منظور، اسلام به دنبال رسیدن انسان‌ها به حیات طیبه می‌باشد. به عبارت دیگر، اسلام رسیدن به اهداف پیشرفت انسانی را با توجه به بُعد اجتماعی انسان در گرو تشکیل جامعه‌ای طیب می‌داند که از پرتو آن، امکان

دستیابی به کمالات مادی و معنوی برای هر فردی با حیات طیبه انسانی فراهم می‌شود. در جامعه آرمانی اسلام انسان به بسیاری از خواست‌ها و نیازهای مادی خود دست می‌یابد و در کنار آن نیازهای معنوی و روحی او نیز تأمین می‌گردد. در نتیجه، انسان در جامعه طیبه زندگی خواهد کرد؛ جامعه‌ای که افراد آن از چنان آرامش و آسایش خاطر بر خوردار می‌شوند که در هیچ الگوی توسعه‌ای دیگر به آن دست نمی‌یابند.

بنابراین، پیشرفت جامعه از دیدگاه اسلام را می‌توان به قرار گرفتن در فرایند هدایت‌شده‌ای ترسیم کرد که بر اساس بینش توحیدی، تحولات بنیادین در ظاهر و پایه‌های ارزشی تعاملات فردی و اجتماعی افراد جامعه در ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی پدید آورده و در پرتو آن جامعه در مسیر عبودیت و اطاعت از خداوند به کرامت، آزادی، معرفت و بصیرت رسیده و پویا و فعال به سمت حیات طیبه حرکت می‌کند.

جامعه اسلامی

جامعه، یعنی مجموعه‌ای از انسان‌ها که با یکدیگر زندگی می‌کنند و دارای انواع ارتباطات و تعاملات فرهنگی و اقتصادی و سیاسی هستند، در همه اشکال ساده و پیچیده آن دارای ساختار است. جوامع از صرف جمع شدن افراد پدید نیامده‌اند، بلکه هر یک از آنها دارای ساختار اجتماعی خاص خویش است که مایه تمایز آن از دیگر اشکال متصور اجتماعی می‌شود (واعظی، ۱۳۸۳).

جامعه مورد نظر اسلام، جامعه انسانی زنده و پویاست. کار در این جامعه، رسالتی واجب است که انسان باید همه توان خود را برای تحقق آن مبذول دارد. جامعه‌ای که از این کارها و این پیوندها تشکیل شده است، زنده است. بنا به تعبیر حدیث شریف نبوی، همچون پیکر است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸، ص ۱۵۰). به عبارت دیگر، جامعه از نظر اسلام، حاصل جمع و کنارهم قرار گرفتن افراد نیست، بلکه جامعه هویت و ویژگی‌هایی فراتر از شخصیت تک‌تک افراد آن دارد. از این رو، برای شاخص پیشرفت جامعه اسلامی شاخص‌هایی جدای از شاخص‌های پیشرفت انسانی لازم است. هرچند که شاخص‌های پیشرفت فردی و اجتماعی بر یکدیگر تأثیر و تأثر دارند. بر خلاف توسعه متعارف که چون جامعه را جمع جبری انسان‌ها، آن هم انسانی ساخته و پرداخته ذهن می‌داند، شاخص توسعه جامعه را منطبق با شاخص توسعه افراد می‌داند؛ یعنی اگر افراد جامعه دارای سواد، درآمد، بهداشت و آزادی باشند جامعه مورد نظر به رشد و توسعه رسیده است.

شاخص

شاخص راهنمای آماری است که تغییرات یک متغیر را نسبت به زمان پایه نشان می‌دهد (خلعت‌بری، ۱۳۷۱، ص ۶۰۶). واقع‌نمایی، قابلیت دسترسی، هزینه کم اطلاعات، سهولت درک و استفاده، از ویژگی‌های شاخص مناسب می‌باشد (رک: خلیلیان اشکذری، ۱۳۹۰، ص ۵۶). در اصطلاح، شاخص‌ها نکات بارز و برجسته‌ای هستند که فرد با کمک آنها می‌تواند اطلاعات بی‌شماری در مورد یک پدیده را طبقه‌بندی کند و با استفاده از آن، با سرعت و دقت بیشتر به بررسی تحولات پدیده مذکور بپردازد (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام، old.maslahat.ir).

به‌طور کلی از شاخص، به‌عنوان تعیین‌کننده و ارزیابی‌کننده یک صفت و یا حالت و وضعیت در رابطه با موضوع مورد سنجش استفاده می‌شود (توکلی، ۱۳۹۰).

اهداف پیشرفت جامعه از نظر اسلام

در نگاه اسلامی، نهایت حرکت تکاملی انسان؛ «الله» است و این معنا در بسیاری از آیات قرآن، با تعبیرهای گوناگون همچون «إِلَى رَبِّكَ الْمُتَّبِعِي» (نجم: ۴۲)، «إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» (نور: ۴۲)، «إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ» (علق: ۸)، «إليه راجعون» (بقره: ۱۵۶) ... بیان شده است. بنابراین، تکامل و تعالی در معارف اسلام به یک حرکت همه‌جانبه که در آن بُعد فرهنگی و معنوی دارای اصالت است، برمی‌گردد (آوینی، ۱۳۷۶، ص ۹ و ۱۰). به عبارت دیگر، آنچه در زمینه پیشرفت جامعه مدنظر اسلام است، بار مکتبی و اخلاقی آن است. از این‌رو، تقویت عواملی را توصیه می‌کند که به ارتقاء معنویت، اخلاق، تربیت و حیات طیبۀ انسانی کمک کرده، زمینه رشد و تعالی انسان‌ها و جامعه را فراهم آورده (رامش و پرآ، ۱۳۶۴) و موانع پیشرفت را از میان بردارد (اخترشهر، علی، ۱۳۸۶، ص ۱۷ و ۱۸). در نتیجه، ریشه‌های بدخواهی، غرور، خودکامگی و... از بین رفته و زمینه تبدیل چپاول، حرص، طمع، تبعیض و اجحاف به تعاون، محبت و اخوت فراهم می‌آید و سرنوشت ملت‌ها و نسل‌های بعدی تغییر می‌یابد (همان، ص ۲۲۶-۲۳۱). بنابراین، با حرکت در مسیر پیشرفت زمینه استقلال، اقتدار، عدالت، عزت جامعه فراهم می‌شود و روابط افراد بر آن اساس تنظیم شده و به همه آنها قدرت حرکت، نشاط و احساس مسئولیت می‌دهد. از این‌رو، اهداف پیشرفت از نظر اسلام را می‌توان در دو سطح مطرح کرد:

الف. هدف نهایی که همان سعادت ابدی و قرب الهی است.

ب. اهداف میانی: ۱. تأمین نیازهای مادی و رفاه نسبی؛ ۲. مکارم اخلاقی و رشد معنویات؛ ۳. عدالت اجتماعی؛ ۴. آزادی؛ ۵. امنیت و آرامش.

لازم به یادآوری است مورد اول و دوم، اهداف اصلی پیشرفت از نظر اسلام می‌باشد؛ چراکه اولی ناظر به نیازهای مادی انسان و جامعه است و دومی، ناظر به نیازهای روحی و معنوی انسان بوده و او را برای مقام قرب الی‌الله و حیات جاودانه در سرای دیگر آماده می‌سازد. اما سه هدف بعدی، گرچه به لحاظ اهمیت، به صورت مستقل و در شمار اهداف میانی بیان شده است، ولی در مقایسه با دو هدف دیگر، به‌منزله اهداف تبعی و درواقع پیش‌شرط دستیابی مطلوب به آن دو می‌باشد. به عبارت دیگر، امنیت و آرامش و عدالت از نظر اسلام در صورتی مطلوب است که با تأمین نیازهای مادی و رفاه نسبی همراه باشد و آزادی و حق انتخاب در صورتی ارزشمند است که به مکارم اخلاقی افراد جامعه منتهی شود.

ویژگی‌های جامعه پیشرفته

از نگاه اسلام، با توجه به اهداف پیشرفت جامعه، روابط اجتماعی و وظایف یک شهروند، در رابطه با مردم و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، دارای اصول و ضوابطی است که هر فرد مسلمان در مناسبات و رفتارهای

اجتماعی ملزم به رعایت آنهاست. در ادامه، به برخی از مهم‌ترین نشانه‌ها و ویژگی‌های پیشرفت جامعه از منظر اسلام اشاره می‌شود، تا در گام بعدی بر اساس این ویژگی‌ها، بتوان شاخص‌هایی را معرفی کرد:



نمودار ۱. ویژگی‌های جامعه پیشرفته از دیدگاه اسلام

۱. حاکمیت فضای عبودیت و توحیدمداری

احساس نیاز به معبود حقیقی و پرستش، یکی از ضروریات فطری و صفات عمومی بشر است و هیچ چیزی جایگزین آن نمی‌شود (یس: ۶۱). سرچشمه حیات معنوی و همه امور دینی و اخلاقی، پذیرش توحید و پرستش خدای یگانه است. باید به موازات پیشرفت مادی، ابعاد معنوی، اخلاقی و انسانی در پرتو تقوا نیز تکامل یابد تا خلأهای روحی و روانی را جبران کند. تقوا با پیشرفت انسانی رابطه مثبت دارد؛ یعنی میزان رشد و کمال انسان حتی در پیشرفت پایدار مادی به تقوا بستگی دارد. در بحث پیشرفت انسانی در نگاه اسلام علاوه بر تقوای فردی، نیاز به تقوای اجتماعی می‌باشد؛ به این معنا که حرکت کلان جامعه بایستی بر اساس ارزش تقوا و عبودیت شکل گیرد. قرآن گشایش انواع برکات آسمان و زمین را که در زندگی و تأمین هدف انسان نقش دارند، مشروط به ایمان و تقوای جمعی می‌داند (اعراف: ۹۶).

بنابراین، اعتقاد به توحید و پایه‌ریزی تربیت و رفتار جامعه براساس تقوای الهی، از اهداف اولیه تعالی بخش دین است. از سوی دیگر، منشأ آثار مادی و معنوی در حیات فرد و جامعه می‌شود و پیامدهای تکوینی بسیاری را به دنبال دارد. از این رو، اسلام در برنامه پیشرفت و تکامل جامعه، به دنبال تربیت انسان‌هایی متدین، بانشاط، فعال، امیدوار به زندگی همراه با احساس عزت، کرامت و آرامش درونی است. افزون‌براین، در پی اتحاد افراد جامعه بر محور توحید و اتصاف به فضایل اخلاقی و پاکی از ردائیل است.

۲. روابط فردی و جمعی بر محور عدالت اجتماعی

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «عدل در مسائل اجتماعی مانند سپر نگرهبانی است که افراد در پناه آن از تعدی محفوظ خواهند ماند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱، ص ۹۲). جایگاه ارزشی عدالت در مبانی فکری دین اسلام، به‌واسطه این است که قوام و نظم اجتماعی منوط به آن است. از این‌رو، اقامه عدل و قسط در موارد زیادی مورد سفارش و تأکید آیات قرآن کریم است (انعام: ۱۵۲؛ مائده: ۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۲) و بیشتر احکام اسلامی نیز بر محور عدالت و در جهت تأمین آن در جامعه می‌باشد. از این‌رو، تدوین برنامه پیشرفت و ارائه شاخص و نیز ناگره‌های ارزیابی آن باید بر پایه تأمین عدالت اجتماعی برای نسل حاضر و عدالت بین نسلی استوار باشد.

۳. اتحاد و همبستگی

وحدت نظری و عملی، در مسائل مهم و حیاتی و هماهنگی عناصر مؤثر جامعه، از نشانه‌های روشن پیشرفت و تمدن است. در سایه انسجام و همبستگی، سنت‌های حسنه در جامعه رواج می‌یابد؛ کمالات و امتیازات اقوام و افراد جامعه هم‌افزایی پیدا می‌کند؛ کمبودها و نقص‌ها رفع می‌گردد؛ اندیشه‌ها و فرهنگ‌ها با هم آشتی می‌پذیرد؛ تعاون و همیاری برای دستیابی به اهداف نظام اسلامی جان می‌گیرد؛ اقتصاد رونق می‌گیرد و ارکان حکومت و پایه‌های دولت تقویت می‌شود. قرآن عامل این اتحاد و همبستگی و ملاک ارزشمندی آن را در سایه اعتصام به حبل‌الله می‌داند (آل عمران: ۱۰۳).

۴. آزادی همراه با آزادی

وجود آزادی فردی و اجتماعی از مظاهر بارز پیشرفت است؛ جامعه‌ای که بر پایه آزادی اندیشه، آزادی بیان، آزادی از یوغ استکبار و استعمار، آزادی از هرگونه غرض‌ورزی و کینه‌توزی استوار باشد، در افق روشنی از تمدن انسانی قرار می‌گیرد (www.islamquest.net). «آزادی» از مفاهیم ارزشی است که در نظام فکری اسلام، به‌طور ویژه و متفاوت از سایر نحله‌های فکری به آن توجه شده و در صورتی مطلوب است که با آزادی همراه یا مقدمه رسیدن به آن باشد. آزادی این است که انسان کرامت و شرافت خویش را شناخته و تن به پستی، ذلت و حقارت نفس و اسارت دنیا و زیر پا نهادن ارزش‌های انسانی ندهد (محدثی، ۱۳۸۱، ص ۵۵). از نظر اسلام، آن آزادی‌ای مطلوب و ارزشمند است که در چارچوب حدود و ارزش‌های الهی و در مسیر دستیابی به آزادی و کرامت انسانی باشد. بنابراین، آزادی‌های رایج در غرب که غالباً با بی‌بندوباری و نادیده گرفتن فضایل انسانی همراه است، از نظر اسلام مردود بوده، مانعی بر سر راه پیشرفت واقعی انسان و جامعه به‌شمار می‌آید (نهج‌البلاغه، ص ۴۰۱).

میل به آزادی، از جمله گرایش‌های فطری بشر بوده، پایین‌ترین درجه آن، این است که انسان در بند دیگری نباشد. از دیدگاه *آمارتیا سن*، توسعه آن هنگامی محقق می‌شود که عوامل اساسی ضدآزادی، مانند فقر و ظلم، فرصت‌های محدود اقتصادی، محرومیت‌های اجتماعی و بی‌توجهی به تأمین امکانات عمومی از بین برود. آزادی‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و وجود نظام حمایتی، افراد را در جهت دستیابی به حقوق و فرصت‌های برابر توانمند می‌سازد و قابلیت‌های عمومی را ارتقا می‌بخشد و با تأمین فرصت‌های مشارکت در تجارت و تولید،

می‌تواند بهره‌مندی افراد و منابع عمومی لازم برای رفاه اجتماعی را فراهم کند (ر.ک: سن، ۱۳۸۱، ص ۲۵-۲۵). از این رو، آزادی افزون بر اینکه از اهداف اساسی توسعه انسانی است، یکی از ابزارهای تسهیل‌کننده آن نیز هست.

۵. شکل‌گیری فضای علم‌افزایی، تفکر و معرفت

اقبال به علم و دانش با پیشرفت انسانی، از جهت مادی و معنوی، و فردی و اجتماعی، و در ابعاد سیاسی و اقتصادی و فرهنگی، ارتباط متقابل دارد. امروزه جدا از نقش آموزش در توسعه انسانی، بر تأثیر سرمایه انسانی و آموزش در رشد اقتصادی نیز بسیار تأکید می‌شود. سواد و کسب دانش، افزون‌بر تربیت و آماده کردن نیروی انسانی ماهر، موجب گسترش مرزهای دانش شده، و هر دو در پیشرفت جامعه از نظر اسلام تأثیر بسزایی دارد.

آشنایی با علوم و فنون از مظاهر تمدن، و جهل و ناآگاهی و نداشتن شناخت کافی نسبت به علم و صنعت از نشانه‌های عقب ماندگی و سقوط است. نقش مطالعه و تحقیق در یادگیری و دست یافتن به نکات تازه بر کسی پوشیده نیست. به همین دلیل، میزان مطالعه و عادت به تحقیق در بین افراد، یکی از نماگرهای ارزیابی میزان پیشرفت جوامع است. جامعه‌ای پیش‌تاز است که سهمی در معارف بشری داشته، گامی فراسوی علم و معرفت بردارد، و گرنه در پیچ و خم حیات، همچنان متحیر مانده و دیده به سوی علوم غیر دارد.

امام موسی صدر، در مقاله «اسلام و خانواده در جامعه پیشرفته با اشاره به نقش علم در پیشرفت» می‌نویسد: «پیشرفت، حاصل تعامل مستمر میان انسان و جهان اطراف اوست. آدمی جست‌وجو می‌کند و سطری از کتاب هستی را می‌خواند و از عنصری جدید یا نیرویی نو یا صفتی تازه آگاه می‌شود. پس تلاش می‌کند تا از علم جدید خود برای بهبود وضع خویش بهره بردارد. او با به کار گرفتن علم جدید، زندگی و محیط اطراف خود را دگرگون می‌کند. در این تغییر، خود او نیز پیشرفت می‌کند و آن‌گاه وضعیت جدید خود را نقطه آغازی برای تحقیق و جست‌وجو در مورد علمی نو قرار می‌دهد و این روند ادامه می‌یابد» (<http://www.imam-sadr.com>).

از سوی دیگر، آموزه‌های دینی و سیره عملی پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در کسب علم و تأکید بر تفکر و تدبیر در آیات الهی و رازهای نهفته در جهان خلقت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص ۳۲۷؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۳)، مشوق اندیشمندان مسلمان در زمینه خلاقیت و نوآوری و نظریه‌پردازی است، به گونه‌ای که منجر به سامان یافتن زندگی مادی و معنوی فرد و جامعه اسلامی شود و انسان را از نظر علمی و عملی، در استفاده بهینه از امکانات خدادادی توانمند سازد.

با توجه به تأکید اسلام بر علم‌آموزی، مطالعه، تفکر و تدبیر (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۷۱)، وجود برنامه منسجم و مداوم برای نهادینه شدن مطالعه مفید و هدایت آن به سوی مطالعات بنیادی و کاربردی در مسیر پیشرفت جامعه امری لازم است، به گونه‌ای که افراد، مطالعه مستمر روزانه را ضروری شمرده و زمان معینی برای آن در نظر گیرند.

۶. امنیت

مقوله «امنیت» در واقع ویژگی و پایه اساسی برای تحقق سایر ویژگی‌های جامعه پیشرفته است. حضرت ابراهیم علیه‌السلام از جمله ویژگی‌های خانه خدا را مامن بودن آن معرفی می‌کند و از خدا می‌خواهد تا آن را برای زائرانش ایمن گرداند

(بقره: ۱۲۶). استعدادهای جامعه در بستر امنیت شکوفا خواهد شد؛ چراکه رشد و تعالی همه‌جانبه، تعلیم و تربیت و سایر ابعاد زندگی مادی و معنوی در سایه امنیت و آرامش امکان‌پذیر است. از سوی دیگر، بدون وجود امنیت، برنامه‌ریزی در راستای تأمین نیازهای اساسی جامعه، سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی ممکن نیست؛ چون تا سرمایه‌گذار احساس امنیت نکند، در مسیر سرمایه‌گذاری برای تولید و ایجاد اشتغال قدم نمی‌گذارد. به عبارت دیگر، نوآوری و ابتکار برای پیشرفت دانش و فناوری، تنها با وجود امنیت و آرامش تحقق می‌یابد. از این رو، به راز و حکمت این سخن ارزشمند از نبی مکرم اسلام بیشتر پی می‌بریم که فرمود: «دو نعمت است که قدر آن شناخته شده نیست؛ سلامتی و امنیت» (قتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۷۲).

۷. نیروی انسانی متعهد و متخصص

منظور از «تعهد»، این است که فرد مسلمان با توجه به شأن و جایگاهی که در جامعه اسلامی دارد، متذکر و عامل به عهد - نانوشته و در عین حال انسانی - خدمت به خلق خدا در قبال استفاده از نعمت‌ها و امکانات خدادادی باشد. غالباً وصف اخلاقی تعهد را در کنار وصف علمی و فنی تخصص به کار می‌برند که خود، نشانگر ارتباط وثیق اخلاق با علوم اجتماعی است. تخصص و تعهد، دو ویژگی اساسی نیروی کار و مدیریت است که در آموزه‌های دینی، به شدت مورد تأکید است، به گونه‌ای که ممکن نیست هیچ‌یک بدون دیگری، ملاک ارزیابی و مطلوبیت باشد. قرآن در دو آیه «إِنَّ خَيْرَ مَنْ اسْتَأْجَرَ الْقَوِيَّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶)؛ «قَالَ اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ» (یوسف: ۵۵) و در مقام بیان دو جریان مختلف فعالیت اقتصادی و مدیریتی به تناسب کار مورد نظر (استئجار و مدیریت تجهیز و تخصیص بودجه) با تعابیر «امین» و «حفیظ» به نهاد اخلاقی تعهد و با عناوین «قوی» و «علیم» به نهاد فنی - علمی تخصص راهنمایی می‌کند. در بینش اقتصادی اسلام، «متعهد غیرمتخصص» در شمار «متخصص غیرمتعهد» قرار می‌گیرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، ص ۵۰۳). از این رو، آگاهی از دانش‌های هر زمان و افزایش تخصص، در کنار پاکی و تعهد، از وظایف دینی نیروی کار است، به گونه‌ای که تعهد او اقتضا می‌کند، از پذیرش کاری که تخصص و توان آن را ندارد، خودداری ورزد.

از اثرات روحیه تعهد در اقتصاد، این است که در فرد گرایش به انجام صحیح کار و وظایف شغلی، بدون نیاز به نظارت مستقیم را ایجاد می‌کند. از نشانه‌های آن، انجام کار بیشتر و بهتر، کنترل درونی و مسئولیت‌پذیری است. از دیگر آثار تعهد، مسئولیت‌آوری و مسئولیت‌پذیری در محدوده معین است. پیشرفت یک ملت در زمینه‌های مختلف بر دو رکن تخصص و تعهد افراد آن استوار است و این دو، به‌مثابه دو بال، رشد و تکامل مادی و معنوی جامعه را ممکن می‌سازند.

۸. فرهنگ اصیل و پویا

واژه «فرهنگ» که در لغت در معانی مختلفی مانند ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت و آداب و رسوم (معین، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۲۵۳۸) به کار رفته، در اصطلاح، مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، تکنیک‌ها، اخلاق، قوانین، سنن و در کل، تمام عادات و ضوابطی است که انسان آن را از جامعه فراگرفته است و در

قیبال آن جامعه، تعهداتی بر عهده دارد (روح‌الامینی، ۱۳۷۹، ص ۱۷). فرهنگ اسلامی همهٔ باورها، عادت‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌های حاکم بر جامعه است که همراه با رعایت حدود و قوانین اسلامی، بر اساس وحی الهی و سخنان پیشوایان معصوم^{علیهم‌السلام}، پدید آمده باشد (خلیلیان اشکذری، ۱۳۸۱، ص ۳۶).

دربارهٔ فرهنگ جوامع، نکتهٔ ذیل درخور توجه است.

فرهنگ‌های دارای منشأ وحیانی و عقلانی، همگی با فطرت انسانی موافق اند و موجب پیشرفت فردی و اجتماعی می‌شوند. در مقابل، فرهنگ‌های برخاسته از گرایش‌های مادی که تنها برای ارضای بُعد حیوانی انسان پدید آمده‌اند، مخالف با فطرت انسان و مانع از پیشرفت جامعه هستند.

با توجه به تعریف، ابعاد و مؤلفه‌های فرهنگ، می‌توان به جایگاه و نقش مهم آن در پیشرفت فرد و جامعه پی برد؛ زیرا نوع و سطح فرهنگ هر جامعه‌ای تعیین‌کنندهٔ افکار، باورها، آداب و رسوم، کیفیت اخلاق و رفتار افراد آن است که اگر مناسب و هماهنگ با پیشرفت انسانی باشد، تسهیل‌کنندهٔ این مسیر خواهد بود. مثلاً، مسیر پیشرفت در یک جامعهٔ جدی، سخت‌کوش، منضبط، قانون‌مدار و با اخلاق و رفتار عقلایی، با وجود نهادهای قانونی مناسب، هموار است. اما در مقابل، اگر افراد جامعه کار و تلاش را جدی نگرفته و به رعایت نظم و انضباط عادت نداشته باشند و گرفتار خرافات و قانون‌گریز باشند و در باورها و ارزش‌های اخلاقی، دچار ضعف و اختلاف باشند، پیشرفت جامعه در مسیر اهداف مورد نظر کند می‌شود یا به رکود و عقب‌ماندگی می‌انجامد (نهج‌البلاغه، ص ۲۵۲؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۹۲، ح ۲۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۴، ص ۱۳۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۵). در این زمینه، خانواده، مدرسه و رسانه‌ها به‌عنوان حلقه‌های اتصال فرد با جامعه، در ایجاد فرهنگ صحیح و مناسب بالاترین نقش را ایفا می‌کنند (ر.ک: روحانی دهکردی و باقری قلعه سلیمی، ۱۳۹۱؛ رستمی‌نسب و شبستری‌نژاد راوری، ۱۳۹۴).

۹. رفاه نسبی

قرآن کریم در آیات متعددی بر استفاده از نعمت‌های پاکیزهٔ الهی تأکید کرده است (بقره: ۱۷۲). همچنین، در این زمینه می‌فرماید: «چه کسی روزی‌های پاکیزه و زیور و زینت الهی را بر بندگان حرام کرده است؟» (اعراف: ۳۲).

پیامبر اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} در مواجهه با مردی ژولیده‌مو با لباس‌های کثیف و ظاهری نامناسب فرمود: «مِنَ الَّذِينَ الْمُتَعَةِ وَظَاهِرًا الْبِغْمَةَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۴۳۹)؛ بهره‌گیری و استفاده از مواهب الهی و آشکار کردن نعمت جزو اسلام است.

اسلام، افزون بر توسعهٔ کمی و افزایش امکانات، بر بهبود کیفی زندگی تأکید می‌ورزد و زیبایی و آراستگی را از نیازهای بشر می‌داند که باید اشباع شود. بنابراین، به آراستن خود و زیباسازی زندگی ترغیب کرده است. رسول اکرم^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} دربارهٔ استفاده از نعمت‌های الهی می‌فرماید: «خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. همچنین، دوست دارد که اثر نعمتش را در زندگی بنده‌اش ببیند (محمدی‌شهری، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۷۷۲).

بنابراین، ایجاد رفاه نسبی برای جامعه از دیدگاه اسلام، نه‌تنها نکوهیده نیست، بلکه ستودنی است؛ به‌ویژه اگر با این قصد همراه باشد که با استفادهٔ بهتر از نعمت‌ها، فرصت بیشتری برای رسیدگی به تهذیب خویش و تربیت

دیگران و عبادت خدا فراهم آید (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانى اقتصاد اسلامى، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸). اسلام، حتى کار و تلاش برای توسعه و گشایش بیشتر در زندگی را ستوده و آن را موجب کسب مقامات اخروی و پاداش الهی دانسته است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۸، ح ۵).

بنابراین، اگر وسایل زندگی مهیا، و رفاه نسبی تأمین باشد و زمان و نیروی کمتری برای کسب آن صرف شود، افراد بهتر می‌توانند به تهذیب و رشد معنوی خود بپردازند. البته، گشایش و رفاه در زندگی مادی برای دستیابی به سعادت و کمال روحی و معنوی در حد اعتدال لازم است؛ زیرا در بیشتر افراد، همان‌طور که کمبود و فقر در معیشت و عدم دسترسی به حداقل زندگی، موجب دور شدن از هدف اصلی خلقت می‌شود (ذاریات: ۵۶؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۷۴)، رفاه و گشایش بیش از حد نیز غفلت و طغیان را در پی دارد (علق: ۶ و ۷).

تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی - که به‌طور معمول همراه با اسراف و زیاده‌روی است - زبان‌های اجتماعی فراوانی در پی دارد؛ زیرا ولخرجی و عیاشی تعدادی اندک، همراه با بی‌اعتنایی به وضع دیگران، به‌ویژه محرومان، موجب محرومیت بسیاری از افراد جامعه می‌شود.

۱۰. سلامتی و بهداشت

تأمین مطلوب معاش و رفع نیازهای مادی جامعه، اگر با سلامت جسم و روح انسان همراه باشد، زندگی را گوارا و زمینه رشد مادی و معنوی افراد جامعه را فراهم می‌سازد. بنابراین، یکی دیگر از ویژگی‌های مهم جامعه پیشرفته سلامت روحی و جسمی افراد است. قرآن کریم با بیان دو قاعده کلی، افراد جامعه را در زمینه حفظ سلامت راهنمایی کرده است: نخست، طیبات و چیزهای پاکیزه را حلال، و خبائث و چیزهای ناپاک و منافی با طبع سالم انسانی را تحریم کرده است (تعارف: ۱۵۷)؛ دوم، بر استفاده از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها در حد اعتدال تأکید کرده است (اعراف: ۳۱). برای تحقق دو عامل مذکور، باید افزون بر تأمین نیازهای غذایی انسان، محیط زندگی نیز مناسب باشد تا زمینه رشد و پیشرفت همه‌جانبه جامعه انسانی فراهم آید. از این‌رو، بهداشت فردی و اجتماعی، به همراه سلامت، ضروری است و نقشی تعیین‌کننده دارد. بنابراین، هر فرد باید نکات ایمنی و دستورهای بهداشتی را رعایت کند و مطابق با آموزه‌های اسلامی و دستاوردهای علمی و تجربی بشر، زمینه‌های اجتماعی سلامت خود و دیگران را فراهم آورد. دولت اسلامی نیز موظف است که محیط زیست افراد جامعه را از هرگونه آلودگی به دور نگاه دارد و زمینه‌های سلامت جسم و روح آنان را فراهم سازد.

۱۱. ولایت‌پذیری

یکی از پیش‌فرض‌های هر قانون و برنامه‌ای، از جمله برنامه پیشرفت اسلامی جامعه، لزوم متابعت از آن و اطاعت از ولی امر است؛ زیرا عملیاتی شدن برنامه پیشرفت به پیروی جامعه از کسانی نیاز دارد که جایگاه قانونی دارند. مطلبی که در اسلام و به دنبال آن، برنامه پیشرفت انسانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی مطرح می‌شود، این است که تنها پذیرش ولایت کسی پذیرفتنی است که واجد شرایط لازم باشد. پیامبر اکرم ﷺ در این زمینه می‌فرمایند: «کسی صلاحیت امامت دارد که در او سه ویژگی باشد: تقوا و پرهیزکاری که او را از معصیت خدا بازدارد؛ صبر و بردباری

که خشم خود را کنترل کند؛ ولایت و سرپرستی نیکو، به‌سان پدری مهربان و دلسوز، بر کسی که ولایت را می‌پذیرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰۷).

در حدیثی امام علی علیه السلام ویژگی جامعه ولایت‌پذیر را در هفت نشانه جمع کرده است:

۱. بذل جان و مال در راه ولایت؛ ۲. برقراری روابط دوستی براساس مودت و محبت اهل‌بیت علیهم السلام؛ ۳. تعامل اجتماعی در مسیر احیای امر امامان علیهم السلام؛ ۴. خودداری از ظلم با بروز خشم و غضب؛ ۵. تجاوز نکردن از عدالت؛ ۶. نافع برای همسایگان و مجاوران؛ ۷. معاشرت مسالمت‌آمیز (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۲۶).
با دقت در ویژگی‌های مذکور در روایت اخیر، به‌خوبی تأثیر ولایت‌پذیری در اجرا و پیشبرد برنامه پیشرفت فرد و جامعه نمایان می‌شود؛ زیرا به تمام ابعاد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و علمی لازم برای پیشرفت انسان و اجتماع اشاره شده است. بنابراین، اعتقاد به اصل امامت و پذیرش عملی ولایت ارتباط وثیقی با پیشرفت جامعه از دیدگاه اسلام دارد.

۱۲. اصالت و استحکام نهاد خانواده

نظام خانواده، کوچک‌ترین واحد اجتماعی است که اساس و زیرساخت سایر نهادهای اجتماعی به‌شمار می‌رود. خانواده را می‌توان حلقه ارتباطی فرد و جامعه دانست. افرادی که در این واحد کوچک اجتماعی رشد می‌کنند و تربیت می‌شوند، به میزان رشد و شکوفایی‌شان، در اداره واحدهای اجتماعی بزرگ سهم و نقش دارند. به عبارت دیگر، افرادی که روزی به‌عنوان فرمانروای مقتدر و سیاستمداری برجسته و مدیر نیرومند، مبتکر خلاق و توانا، نیروی کار فعال و با نشاط و همچنین عالمان محقق که بهره‌های فکری و ابداعات فنی خود را در اختیار جامعه قرار می‌دهند، و مسئولیت‌های خطیری را به عهده می‌گیرند، کانون خانواده تربیت‌گاه نخستین آنهاست (<http://tabrizema.ir>). در فرهنگ اسلامی، خانواده نقش مهمی در راستای اهداف دینی ایفا می‌کند، به‌گونه‌ای که می‌توان گفت: وجود خانواده‌های با ایمان، کارا و بانشاط که بر اساس موازین و احکام الهی اداره می‌شود، از صفات و ویژگی‌های جامعه اسلامی به‌شمار می‌آید.

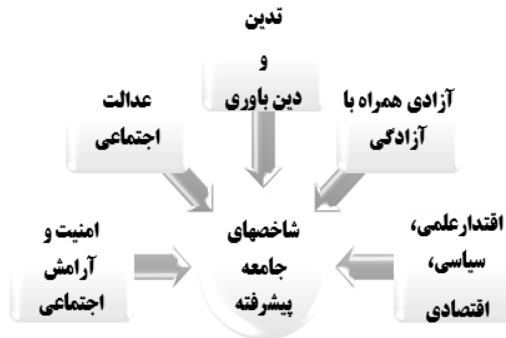
هیچ یک از دو مکتب سرمایه‌داری لیبرال و سوسیالیستی، در برنامه توسعه جامعه خود به خانواده توجهی ندارند و حتی می‌توان گفت: سیاست‌های ضد خانواده دارند. از این رو، کشورهایی که به نوعی در برنامه‌ها و سیاست‌های مدیریتی خود از این نظام‌ها متأثر هستند، ضعف نهاد خانواده را در جامعه خود نظاره‌گرند. به‌طوری‌که امروزه فروپاشی خانواده، یکی از معضلات جوامع غربی و نیز جوامع متأثر از توسعه غرب است (<http://tabrizema.ir>).

در جامعه اسلامی ایران نیز بعد از تجربه ناگوار اجرای برنامه‌های توسعه بر مبنای تئوری‌های غیریومی و شبه لیبرالی که به دلیل عدم سنخیت آنها با فرهنگ خاص ایرانی - اسلامی مردم ایران کارایی لازم را نداشتند، ضرورت تدوین الگوی پیشرفت بر محوریت فرهنگ اسلامی و ایرانی احساس شد. از آنجاکه در فرهنگ اسلامی - ایرانی خانواده از جایگاهی قدسی ویژه‌ای برخوردار است، در ابعاد گوناگون برنامه پیشرفت جامعه اسلامی (معنوی، مادی، سیاسی، علمی، اقتصادی، فرهنگی) باید اولاً، به کارایی و نقش این نهاد و ثانیاً، عوامل آسیب‌زننده به آن توجه جدی کرد.

بنابراین، باید شرایط را برای تحقق بهره‌مندی و بهینه‌سازی نظام خانواده در جهت ایجاد خانواده خلاق و بانشاط آماده کرد. به همین دلیل، لازم است که به جایگاه ویژه بانوان در نقش همسر و مادر که محور امور داخلی خانواده است، بها داده شود و از طریق آموزش و رفع عواملی که موجب کم‌رنگ‌شدن حضور بیشتر آنها در خانواده است، موجبات رشد و پرورش خانواده و به تبع آن پیشرفت جامعه را فراهم نمود. با نگاهی ژرف به مسئله پیشرفت و سعادت فرد و جامعه در سطح کلان، به این نتیجه می‌رسیم که استحکام نهاد خانواده، تضمین‌کننده سلامت، سعادت و امنیت جامعه است (تحریم: ۶؛ نوری، ۱۳۸۹).

شاخص‌های جامعه پیشرفته

آموزه‌های اسلامی با محتوای غنی، از جهت نگاه فردی و اجتماعی و توجه به ابعاد روحی و جسمی، مادی و معنوی، و دنیایی و آخرتی انسان، تحت عناوینی چون «کمال و سعادت» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵ ص ۲۵۷ و ۳۳۶؛ ج ۷، ص ۲۳۰)، «فوز» (فتح: ۵؛ توبه: ۷۲؛ جاثیه: ۳۰؛ مائده: ۱۱۹) و «فلاح» (مؤمنون: ۱؛ اعراف: ۱۵۷؛ لقمان: ۴ و ۵؛ آل عمران: ۱۰۴)، به پیشرفت انسانی و با عناوینی مثل «بلده طیبه» (سبأ: ۱۹) و «حیات طیبه» (نحل: ۹۷) به جامعه پیشرفته و اقتضائات و لوازم و اهداف آن اشاره کرده است. در این گفتار، از میان مضامین گوناگون آیات و روایات، می‌توان تدین و دین‌باوری، امنیت و آرامش اجتماعی، عدالت اجتماعی، اقتدار علمی - سیاسی - اقتصادی، آزادی همراه با آزادی را به‌عنوان شاخص‌هایی برای ارزیابی جامعه پیشرفته اسلامی معرفی کرد.



نمودار ۲. شاخص‌های جامعه پیشرفته از نظر اسلام

لازم به یادآوری است که اولاً، شاخص دین‌باوری بر سایر شاخص‌های اولویت دارد؛ بدین معنا که پایبندی به دین و تنظیم امور فردی و اجتماعی، بر اساس آموزه‌های دین، مستلزم شاخص‌های دیگر هست. اما باید توجه کرد که نگاه به پیشرفت و تکامل جامعه از دریچه این شاخص‌ها مورد اهتمام دین است. بنابراین، ذکر این شاخص‌ها در کنار دین‌باوری به‌معنای هم‌تراز بودن با آن نیست. ثانیاً، منظور از دین در این مقاله صرفاً دین اسلام است، نه ادیان دیگر.

الف. تدین و دین‌باوری

دین، مجموعه حقایق و ارزش‌هایی است که از طریق وحی، به‌وسیله کتاب و سنت، برای هدایت انسان‌ها، به دست بشر می‌رسد. با توجه به اینکه در آیه «... إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ...» ال‌کلم الطَّيِّب را به اعتقادات حق تفسیر کرده‌اند (فاطر: ۱۰؛ طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۳)، می‌توان از دو زاویه بیش و عقیده و پایبندی به تکالیف درباره دین‌باوری بحث کرد؛ زیرا دیانت هر فرد در دو جهت تجلی می‌یابد: یکی از بُعد اعتقادی که با سنجش ایمان و عقیده شخص قابل بررسی است و دیگری، از جهت عمل و رفتار که از جهت پایبندی به تکالیف الهی قابل پیگیری است. در نگرش الهی، ارزش و موقعیت انسان در گرو تدین اوست (مائده: ۶۸). اهمیت دین‌داری در اعطای نگرش فرامادی به انسان است. پایبندی به دین تأثیری شگرف در رفتار و شخصیت انسان دارد. دین‌داری، با گسترش سطح بینش انسان و زوایای فکری وی، شخصیتی متمایز و مطابق با فطرت الهی به انسان می‌بخشد. انسان با پایبندی کامل به موازین و معیارهای دینی، می‌تواند به هدف پیشرفت؛ یعنی به مقام رضوان الهی نایل شود. اعتقاد به اصول دین موجب کنترل حب‌وبغض‌ها و کاهش جرایم و خلاف‌های آشکار و پنهان می‌شود. این اعتقاد، از بهترین عواملی است که می‌تواند جامعه را به سمت سعادت و کمال سوق دهد؛ زیرا انسانی که این باور در او نهادینه شده است، نه‌تنها در اصلاح نفس خویش می‌کوشد، بلکه به آنچه پیرامون وی اتفاق می‌افتد؛ بی‌اعتنا نیست و درصدد اصلاح جامعه نیز خواهد بود. بنابراین، اعتقاد کامل به دین و عمل به مضامین آن، زمینه اجرای برنامه پیشرفت انسانی مطلوب از نظر اسلام را فراهم می‌سازد.

از این‌رو، تدین و دین‌باوری به‌عنوان اولین و مهم‌ترین شاخص سنجش پیشرفت جامعه انتخاب شده است که می‌توان آن را حاکم بر سایر شاخص‌ها و ناظر بر آنها دانست. بر این اساس، می‌توان گفت: برنامه پیشرفت اسلامی برخلاف توسعه غربی به دنبال روش و شیوه‌ای است که زمینه رشد فضایل اخلاقی، تکامل انسان و تحقق حیات طیبه را فراهم آورد. درباره سنجش میزان تدین جامعه و باور به دین، در روایات به‌نماگرهایی همچون میزان با‌دارندگی از محرمات (ابن‌بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۷) و میزان اطاعت‌پذیری و درجه ولایت (همان، ج ۳، ص ۱۳) اشاره شده است.

ب. امنیت و آرامش اجتماعی

دستیابی به امنیت، اطمینان خاطر و آرامش روحی همواره یکی از دغدغه‌های انسان و جوامع و همچنین یکی از عوامل تمایل انسان به تشکیل اجتماع بوده است. نیاز به امنیت و آرامش در زمان فعلی، بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود؛ زیرا امروزه، با وجود اینکه زندگی با پیشرفت دانش و فناوری، همراه با رفاه نسبی بالاتری است، بیشتر افراد و حتی برخی جوامع از وجود اضطراب و ناامنی رنج می‌برند و برای آن هزینه می‌پردازند. پیشرفت جامعه به سبک توسعه غربی، هرچند از حیث مادی زندگی راحت و مرفهی برای بخش‌هایی از جامعه خود به ارمغان آورده، ولی آرامش و آسایش خاطر را به‌عنوان یکی از شاخص‌های اساسی پیشرفت از افراد زیادی گرفته است. علت این امر، توجه افراطی توسعه متعارف به بُعد مادی انسان و غفلت از نیازهای معنوی اوست. دین اسلام، به اطمینان خاطر و احساس امنیت و آرامش در سطحی گسترده توجه کرده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ، اطمینان خاطر و آرامش را بهترین زینت فرد در

کنار ایمان مطرح می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸ ص ۳۳۷). همچنین در نظر ایشان، حُسن و کمال در زیبایی لباس و ظاهر زندگی نیست، بلکه در آرامش خاطر و وقار است (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۶۵۶).

در متون اسلامی، به برخی عوامل اطمینان‌آور و آرامش‌بخش مانند یاد خدا (رعد: ۲۸)، ازدواج (روم: ۲۱) و نظافت (همان، ص ۳۲۳) اشاره شده است. ایمان به خدا، از پایه‌های اساسی‌ای است که امنیت اجتماعی در پرتو آن شکل می‌گیرد. نقش ایمان در دستیابی به اطمینان خاطر و آرامش، به گونه‌ای است که هیچ چیز دیگری جای آن را نمی‌گیرد. همین امر، یکی از علت‌های اقبال انسان معاصر به دین شمرده می‌شود.

با توجه به تأثیر این شاخص در پیشرفت مادی و معنوی انسان، توجه به آن در برنامه پیشرفت جامعه اسلامی ضرورت دارد. بنابراین، دولت اسلامی باید در جهت ایجاد فضای آرام و امن در جامعه اسلامی، راهبردهای لازم را در برنامه پیشرفت اجتماعی مورد ملاحظه قرار دهد؛ زیرا علاوه بر تأثیر آن در نشاط و پویایی افراد جامعه، بر اساس درجه امنیت و آرامش اجتماعی هر کشور، سایر جوامع در مورد انتقال سرمایه و برقراری روابط سیاسی و اقتصادی با آن تصمیم‌گیری می‌کنند.

ج. عدالت اجتماعی

هدف از خلقت انسان، رسیدن به کمال و قرب الهی است و برای رسیدن به این مقصد، عوامل متعددی چون کار و تلاش و همت بلند نقش دارند. اما آنچه می‌تواند جامعه انسانی را به سوی این هدف سوق دهد و نقش اساسی ایفا کند، عدالت اجتماعی است. خداوند یکی از اهداف بعثت پیامبران و نزول کتب آسمانی را اقامه قسط و عدل در جامعه معرفی کرده است (حدید: ۲۵). عدالت، به‌ویژه عدالت اجتماعی پیوند عمیقی با مسئله توزیع در اقتصاد دارد. منظور از «عدالت اجتماعی»، تخصیص «منصفانه» منابع و برابری فرصت‌ها در یک جامعه است (دایرةالمعارف روتلج اقتصاد سیاسی بین‌المللی، مقاله G O، ص ۸۵۸). اگر مفهوم «توزیع» را عام در نظر بگیریم، تا شامل تمام حوزه‌ها شود؛ یعنی شامل حوزه اقتصاد و فرصت‌های درآمدی و شغلی، حوزه تعلیم و تربیت، حوزه خدمات عمومی و در رأس آن، بهداشت عمومی و حوزه سیاسی و فرصت‌های مشارکت سیاسی؛ در این صورت عنوان عدالت اجتماعی شامل گستره وسیعی است و از چارچوب اقتصادی صرف خارج می‌شود.

در نظریات مربوط به عدالت، رشد، توزیع و کارایی در اقتصاد متعارف، از آنجاکه زیربنا را اقتصاد می‌دانند، برخی مکاتب بر این باور هستند که چون نظام اقتصاد به‌طور خودکار و طبق قوانین طبیعی رو به سوی تعادل دارد، نیازی به مکانیسمی جداگانه برای تضمین و برقراری عدالت نیست. از نظر آنها، کارترین تخصیص‌ها و بهترین توزیع به وسیله نظام بازار صورت می‌گیرد.

در این راستا، برخی از اقتصاددانان توسعه معتقدند: از طریق آموزش و ایجاد توانایی برای گسترش آزادی‌های افراد و دایره انتخاب آنها، می‌توان به عدالت اجتماعی نزدیک شد. هرچند اقتضای برنامه‌های رشد و توسعه این است که عده‌ای از محرومان جامعه، زیر چرخ توسعه و رشد پایمال شوند (جهانیان، ۱۳۸۸). اما با توجه به آموزه‌های اسلامی می‌توان گفت: توجه دین به پیشرفت به گونه دیگری است و پیشرفت را در هم‌زمانی عدالت در توزیع با رشد و کارایی می‌داند (رجایی،

۱۳۹۲): یعنی نه تنها نباید به بهانه توجه به یک مقوله از مقولات دیگر غافل شد، بلکه عملیاتی شدن پیشرفت و رشد به عدالت در توزیع وابسته است. از نظر آموزه‌های اسلامی، پیشرفت و عدالت نسبت به یکدیگر هم‌افزایی دارند. نمی‌توان بدون توجه به عدالت به پیشرفت و کارایی رسید و همچنین نمی‌توان بدون رشد و کارایی به برقراری عدالت امیدوار بود. بنابراین، عدالت اجتماعی یکی از شاخص‌هایی است که پیشرفت، رشد، کارایی و توزیع بهینه را انعکاس می‌دهد.

د. اقتدار علمی، سیاسی، اقتصادی

رشد و پیشرفت با وجود نظام سیاسی مقتدر و باثبات امکان‌پذیر است. ثبات و اقتدار سیاسی نیز با مشارکت هر چه بیشتر مردم در جریان‌های سیاسی و حکومتی فراهم می‌شود. نظام سیاسی غیرمتمرکز و غیرمستبدانه کمتر مبتلا به بحران و فراز و نشیب شدید می‌شود. حضور شمار زیاد تصمیم‌گیران موجب بروز تنوع بیشتر، پختگی و جامعیت طرح‌ها می‌شود و در فضای عمومی، احتمال بروز مخاطرات کمتر می‌شود (بیگزاده، ۱۳۸۴، ص ۷۹).

مشارکت فعال افراد جامعه و گروه‌های سیاسی در سرنوشت جامعه در اقتدار و امنیت و ثبات آن تأثیر بسزایی دارد. این شاخص را می‌توان در میزان مشارکت برای انتخاب نمایندگان مجلس شورای اسلامی، به‌عنوان قوه مقننه و نیز انتخابات ریاست جمهوری به‌عنوان قوه مجریه و انتخابات مجلس خبرگان که در روند جمهوریت و اسلامیت نظام تأثیرگذار است، مورد ارزیابی قرار داد.

جامعه‌ای که داعیه پیشرفت دارد، لازم است در سطح منطقه و بین‌المللی، دارای نظام سیاسی مقتدری باشد که بتواند امنیت کامل را تأمین کند. در این بین، نقشی که گروه‌های اجتماعی، نهادهای سیاسی و خبگان در شکل‌بندی قدرت سیاسی، منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌کنند، حائز اهمیت است. اما باید توجه داشت که اقتدار سیاسی یک جامعه در گرو اقتدار علمی و اقتصادی آن است. اگر جامعه‌ای در علم و فناوری نیازمند بیگانگان باشد، یا اینکه در اقتصاد به‌ویژه در تولید کالاهای استراتژیک مستقل نباشد، از نظر سیاسی نیز در داخل و خارج ضعیف است. مقام معظم رهبری، در رابطه با اقتدار سیاسی به نقش اقتدار علمی و اقتصادی این‌گونه اشاره کرده‌اند: «عامل اصلی که به یک ملت اقتدار می‌بخشد، علم است. علم، هم می‌تواند اقتدار اقتصادی ایجاد کند، هم می‌تواند اقتدار سیاسی ایجاد کند، هم می‌تواند آبرو و کرامت ملی برای یک ملت در چشم جهانیان به وجود بیاورد» (بیانات مقام معظم رهبری، www.leader.ir).

ه. آزادی همراه با آزادی

آزادی در شمار ارزش‌های اصیل، اساسی و والای هر انسانی است. میل به آزادی، از جمله گرایش‌های فطری است که در همه انسان‌ها در هر زمان و مکانی وجود دارد و شامل حوزه‌های گسترده از مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌شود. در ادبیات فرهنگ اسلامی، واژه «آزادی» از ارزش بیشتری برخوردار است؛ چراکه آزادی خصوصاً در دهه‌های اخیر و در فرهنگ توسعه غربی، بار معنایی خاصی را بر تفکر افراد جامعه تحمیل می‌کند. «آزادی»، اصطلاحی حقوقی و اجتماعی است و به‌معنای رهایی از اسارت دیگران، و نیز رها بودن در بُعد فکری و عملکردی، از سلطه اندیشه یا فرهنگ و دین خاص و انتخاب فردی مسیر زندگی است. آزادی، گاهی

به پذیرش ذلت و قرار گرفتن در موضع ضعف می‌انجامد؛ اما «آزادگی» برتر از آزادی است و نوعی رهایی از قیدوبندهای ذلت‌آور، و به معنای رهایی عقل و جان انسان از زندان نفس و شهوت است. تعلقات و پابندی‌های انسان به ثروت و مقام و فرزند و مانند اینها در مسیر آزادی روح او مانع می‌آفریند. همچنین، آزادگی در اوج ارزش‌های انسانی قرار دارد و آدمی را از خوی پست حیوانی به بلندی معرفت و معنویت می‌رساند (ر.ک: محدثی، ۱۳۸۱، ص ۵۵). آزادگی این است که انسان کرامت و شرافت خویش را بشناسد و به پستی و ذلت و حقارت نفس و اسارت دنیا و زیرپا نهادن ارزش‌های انسانی تن ندهد (همان).

مطلوبیت آزادی نیز مطلق نیست، بلکه تا آنجا پسندیده است که وسیله و ابزار کمال روح باشد. اسلام نیز برای رعایت مصالح جامعه، آزادی را با رعایت حدود الهی می‌پذیرد. از این رو، پذیرش هرگونه سلطه حکومت طاغوت، اعم از اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، با اصل آزادی و آزادگی جامعه اسلامی در تناقض است. به دوستی گرفتن بیگانه، نمونه کوچکی از پذیرش سلطه بیگانگان است؛ زیرا به سلطه کامل دشمن بر فرد و جامعه می‌انجامد. قرآن کریم، برای مؤمنی که به این دوستی تن داده باشد، کرامت و شخصیتی قائل نیست (آل عمران: ۲۸).

نتیجه‌گیری

در نگرش اسلامی، جامعه پیشرفته بدون انسان پیشرفته معنا و مفهومی ندارد. از این رو، مقدم بر آن به پیشرفت انسان توجه و بر آن تأکید می‌کند؛ بدین معنا که از دیدگاه اسلامی، چنین نیست که همواره حصول منافع فردی به تأمین منافع و مصالح اجتماعی یا به عکس بینجامد، بلکه فرد و جامعه می‌توانند مکمل یکدیگر باشند. پیشرفت انسان به اوضاع جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند، بستگی دارد. از این رو، اسلام بر اهمیت انتخاب محل زندگی تأکید کرده است. در این تحقیق، دوازده ویژگی از ویژگی‌های جامعه پیشرفته اسلامی تبیین شد. سپس، با استفاده از این ویژگی‌ها و مراجعه به آموزه‌های دینی شاخص‌های «تدین و دین‌باوری»، «امنیت و آرامش اجتماعی»، «عدالت اجتماعی»، «اقتدار علمی، سیاسی، اقتصادی»، «آزادی همراه با آزادگی» مطرح و به‌طور خلاصه تبیین شد. از میان شاخص‌های پنج‌گانه مذکور، شاخص «تدین و دین‌باوری»، چون چتری بر همه ویژگی‌ها، قابلیت ارزیابی همه آنها را دارد، ولی این ارتباط برای برخی ویژگی‌ها، از جمله حاکمیت فضای عبودیت، توحیدمداری، روابط فرد و جامعه بر محور عدالت اجتماعی، اتحاد و همبستگی، امنیت، نیروی انسانی متعهد و متخصص، مسئولیت‌پذیری، بهداشت و سلامت، ولایت‌پذیری، اصالت و استحکام نهاد خانواده، به صورت مستقیم و با سایر ویژگی‌ها به صورت غیرمستقیم می‌باشد. شاخص امنیت و آرامش اجتماعی، جهت ارزیابی اتحاد و همبستگی، امنیت، رفاه نسبی و استحکام نهاد خانواده به کار می‌رود. شاخص عدالت اجتماعی، جهت ارزیابی عدالت‌محوری در روابط فرد و جامعه کاربرد دارد و میزان شکل‌گیری فضای علم‌افزایی، تفکر و معرفت را می‌توان با شاخص اقتدار علمی، سیاسی، اقتصادی اندازه‌گیری کرد. ویژگی‌های سه‌گانه نیروی انسانی متعهد و متخصص، مسئولیت‌پذیری و فرهنگ اصیل و پویا را با دو شاخص «تدین و دین‌باوری» و «آزادی همراه با آزادگی» می‌توان ارزیابی نمود.

منابع

نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ترجمه صبحی صالح، قم، هجرت.

آوینی، سیدمرتضی، ۱۳۷۶، توسعه و مبانی تمدن غرب، چ دوم، تهران، ساقی.

ابن بابویه قمی، محمدبن علی (شیخ صدوق)، ۱۳۹۸ق، التوحید، تحقیق هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین.

اخترشهر، علی، ۱۳۸۶، اسلام و توسعه، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

بیگزاده، صفر، ۱۳۸۴، «چند مقاله در زمینه موانع نهادهی توسعه»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چ دوم، تهران.

پابنده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، نهج الفصاحه، چ چهارم، تهران، دنیای دانش.

توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۰، «روش‌شناسی تدوین شاخص پیشرفت انسانی بر اساس گفتمان قرآنی»، معرفت اقتصاد اسلامی،

ش ۴، ص ۳۰-۴۲.

جهانیان، ناصر، ۱۳۸۸، اسلام و رشد عدالت‌محور، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت.

خلعبری، فیروزه، ۱۳۷۱، مجموعه مفاهیم پولی بانکی و بین‌المللی، تهران، شباویز.

خلیلیان اشکدری، محمدجمال و همکاران، ۱۳۹۴، معیارها و شاخص‌های پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و

پژوهشی امام خمینی.

خلیلیان اشکدری، محمدجمال، ۱۳۸۱، فرهنگ اسلامی و توسعه اقتصادی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

_____، ۱۳۹۰، شاخص‌های توسعه اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، مبانی اقتصاد اسلامی، چ چهارم، تهران، سمت.

رامش و پرپراه، ساد مسیبر، ۱۳۶۴، «برداشتی نو از مسائل توسعه»، گزیده مسائل اقتصادی - اجتماعی، ش ۴۶، ص ۴-۱۵.

رجایی، سیدمحمدکاظم، ۱۳۹۲، «مفهوم و شاخص «عدالت اقتصادی»»، معرفت اقتصاد اسلامی، ش ۹، ص ۷۹-۱۰۴.

رستمی‌نسب، عباسعلی و زهرا شبستری‌نژاد راوری، ۱۳۹۴، «نقش خانواده در انتقال ارزش‌ها از منظر قرآن کریم»، معرفت، ش ۲۰۸،

ص ۲۷-۳۸.

روح‌الامینی، محمود، ۱۳۷۹، زمینه فرهنگ‌شناسی تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی و مردم‌شناسی، چ پنجم، تهران، عطار.

روحانی دهکردی، سولماز و اشرف باقری قلعه سلیمی، ۱۳۹۱، «مدرسه و نقش آن در تعلیم و تربیت ارزش‌ها»، معرفت، ش ۱۷۹،

ص ۹۵-۱۰۳.

سن، آمارتیا، ۱۳۸۱، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه وحید محمودی، تهران، دستان.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین.

قتال نیشابوری، محمدبن احمد، ۱۳۷۵، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، قم، رضی.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۷۵، اصول کافی، ترجمه محمدباقر کمرهای، چ سوم، قم، اسوه.

_____، ۱۴۰۷ق، کافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، چ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

محدثی، جواد، ۱۳۸۱، پیام‌های عاشورا، قم، پژوهشکده تحقیقات اسلامی سپاه.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۷۷، میزان‌الحکمة، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث.

معین، محمد، ۱۳۶۰، فرهنگ فارسی معین، چ چهارم، تهران، سپهر.

موسایی، میثم، ۱۳۹۰، دین توسعه و فرهنگ، تهران، جامعه‌شناسان.

موسی صدر، *اسلام و خانواده در جامعه پیشرفته*؛ در: همایش «اسلام و تنظیم خانواده»، ۲۴ تا ۲۹ ژانویه ۱۹۷۱ (۴ تا ۹ بهمن

۱۳۴۹): <http://www.imam-sadr.com/> 93.10.25

نوری اعظم، ۱۳۸۹، «عوامل تحکیم و استحکام نهاد خانواده»، *طهور*، ش ۷، ص ۱۴۵-۱۷۸.

واعظی، احمد، ۱۳۸۳، «عدالت اجتماعی و مسائل آن»، *قیاسات*، ش ۳۳، ص ۱۸۹-۲۰۸.

ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، ۱۳۶۹، *مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام*، ترجمه محمد رضا عطایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

Routledge Encyclopedia of International Political Economy: Entries G-O, P. 858.

www.islamquest.net.

<http://tabrizema.ir>.

old.maslahat.ir.

www.leader.ir.